

نقش‌های کاربردشناختی صلوات در گفتار فارسی‌زبانان ایرانی و عرب‌زبانان عراقی

سیدعلی اصغر سلطانی*

مهدی مقدسی‌نیا**، حسین تک‌تبار فیروزجایی***

چکیده

صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (س) عبارتی است که مسلمانان روزانه بارها آن را بیان می‌کنند یا از دیگران می‌شنوند. در نگاه اول، صلوات به قصد قربت انجام می‌شود، اما با دقت بیشتر می‌توان دریافت که نقش کاربردی مهمی در ارتباطات اجتماعی روزمره ایفا می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که دریابد صلوات در تعاملات اجتماعی میان مسلمانان، در حوزه شفاهی، میان شیعیان ایرانی فارسی‌زبان و شیعیان عراقی عرب‌زبان چه نقش ارتباطی‌ای بازی می‌کند و آیا تفاوتی در نوع کاربرد صلوات در میان این دو گروه اجتماعی وجود دارد یا خیر؟ چهارچوب نظری کلی این پژوهش کاربردشناسی زبان و به‌طور خاص نظریه کنش‌های گفتاری جان سول است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که صلوات علاوه بر بُعد بیانی ابعاد منظوری نیز دارد و به‌عنوان کنش گفتار ترغیبی، عاطفی، تعهدی، و اعلامی در شرایط کاربردی و اجتماعی مختلف به‌کار می‌رود. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد کاربرد صلوات در کنش گفتارهای ترغیبی با هدف غیرمستقیم گویی به‌کار رفته است؛ در کنش‌های عاطفی افراد برای تشدید بیان احساس در وجود خویش از صلوات بهره می‌گیرند؛ در کنش‌های تعهدی نیز هدف از به‌کارگیری صلوات تقدس‌بخشیدن به تعهد است؛ و در کنش‌های اعلامی هم‌سو کردن دیدگاه‌ها و اعلام مواضع از یک‌سو و جلب‌توجه افراد به یک موقعیت، از طریق بالا بردن صدا، می‌تواند عامل تأثیرگذار در استفاده از صلوات باشد.

کلیدواژه‌ها: صلوات، کنش گفتار، عبارات دینی - حوزه شفاهی.

* دانشیار وابسته پژوهشکده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
aasultani@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، mammahdi@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، h.taktabar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۱

۱. مقدمه

تعاملات زبانی در هر جامعه‌ای متأثر از فرهنگ، دین، و دیگر مؤلفه‌های اجتماعی است. درحقیقت، مطالعه این تعاملات بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های یادشده باعث نقصان می‌شود. در جوامع مسلمان، اعم از فارسی‌زبان و عرب‌زبان، افراد از عبارات‌های دینی گوناگون استفاده می‌کنند که بازتاب تأثیر دین در جامعه است. نکته مهمی که در این جا باید مدنظر داشت این است که استفاده از این عبارات به افرادی که گرایش‌های قوی مذهبی دارند محدود نمی‌شود؛ بلکه این عبارات از سوی تمامی افراد با هر میزان گرایش به دین به کار می‌رود؛ زیرا این عبارات بعدی کاربردشناختی به خود گرفته‌اند و دیگر استفاده از آن‌ها به بافت دینی منحصر نمی‌شود. بی‌اطلاعی از بُعد کاربردشناختی این عبارات و چرایی به‌کارگیری آن می‌تواند ارتباط زبانی میان افراد را با مشکل مواجه کند.

برای نمونه، وقتی یک فرد مسلمان ایرانی با موقعیتی روبه‌رو می‌شود که می‌خواهد عصبانیت خود را از مخاطب خویش نشان دهد، از عبارت «لا اله الا الله» استفاده می‌کند. همین فرد وقتی با مخاطبی مواجه می‌شود که در حال غیبت است برای این که او را از این کار بازدارد یا مخالفت خود را با اظهارات او نشان دهد عبارت «استغفرالله» را به کار می‌برد تا به او بفهماند که این کار اشتباه است و به سبب انجام آن باید استغفار کرد. همین فرد وقتی تصویری از یک طبیعت بکر یا یک موجود خارق‌العاده می‌بیند بی‌اختیار می‌گوید «سبحان‌الله».

یکی از عبارات دینی که مسلمانان از آن به‌وفور استفاده می‌کنند صلوات است. کارکرد اولیه صلوات ابراز احترام به پیامبر و خاندان او به‌قصد قربت‌جستن از آن‌هاست. در قرآن خداوند متعال در آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) به مسلمانان فرمان داده است تا به پیامبرش درود فرستند.

آنچه در تعاملات زبانی روزمره مسلمانان، اعم از فارسی‌زبان و عرب‌زبان، دیده می‌شود آن است که کنش گفتار بیانی ذکر صلوات با کنش گفتار منظوری آن متفاوت است. گاهی اوقات، شاید فردی از مخاطب یا مخاطبان خویش بخواهد تا صلوات بفرستند؛ اما چیزی فراتر از آن چه می‌گوید مدنظرش باشد. باتوجه‌به همین موضوع دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست که در چه موقعیت‌هایی از صلوات استفاده می‌شود، چه منظوری در کاربرد صلوات وجود دارد، و چرا از صلوات به‌عنوان کنش گفتار منظوری استفاده می‌شود؟

همان‌طور که از پرسش‌های فوق برمی‌آید، این پژوهش به‌طور کلی در چهارچوب کاربردشناسی زبان، که گاه از آن به منظورشناسی هم یاد می‌شود، قرار دارد. یول می‌گوید:

«کاربردشناسی بیش‌تر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به‌کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است» (۱۳۹۱: ۱۱). اما در چهارچوب کلی کاربردشناسی زبان، نظریه کنش‌های گفتاری که ابتدا از سوی جان آستین (Austin, 1962) مطرح شد و سپس جان سرل (Searle, 1969) آن را بسط داد به‌طور خاص می‌تواند در تبیین کاربردها و منظوره‌های مختلف، که در پس جملات و پاره‌گفت‌ها استفاده شده است، در محاورات روزمره به‌کار آید. داده‌های پژوهش نیز عمدتاً به‌صورت مشاهده مشارکتی از سوی پژوهش‌گران در شرایط مختلف زندگی روزمره جمع‌آوری شده است.

در ادامه، پیشینه پژوهش‌هایی که روی موارد مشابه انجام شده است مرور خواهد شد. سپس آن بخش‌هایی از نظریه کنش‌های گفتار که در این پژوهش به‌کاررفته با مثال تشریح شده است. در بخش بعد، نمونه‌های مختلف کاربرد صلوات در محاورات روزمره مسلمانان، که شامل بافت ایران و عراق است، در چهارچوب مطرح‌شده معرفی و تجزیه و تحلیل خواهد شد. در پایان نیز، درباره دستاوردها و نتایج تحقیق بحث و بررسی می‌شود.

۲. پیشینه

تحقیقات اندکی درخصوص ابعاد کاربردشناسی عبارات دینی انجام شده است که هرکدام از آن‌ها به‌نوعی از کاربرد غیرمستقیم یا کنش ثانویه این عبارات پرده برداشته‌اند. در این‌جا به‌طور کلی به سه دسته از این پژوهش‌ها اشاره خواهد شد: دسته اول، پژوهش‌های مربوط به کاربرد «إن شاء الله» در بافت اسلامی؛ دسته دوم، پژوهشی درخصوص اصطلاحات مسیحی؛ و دسته سوم پژوهش‌هایی که از چهارچوب نظریه کنش‌های گفتار به‌طور کلی برای مطالعه متون دینی استفاده کرده‌اند.

در دسته اول پژوهش‌ها به اصطلاح قرآنی «إن شاء الله» و کاربردهای آن در زندگی روزمره مسلمانان توجه ویژه‌ای شده است. یکی از این تحقیقات پژوهشی است که از سوی ایمن نزال (Nazal, 2005) انجام شده است. نزال در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌های کاربردی نقل آیات قرآن از سوی مسلمانان در ژانر شفاهی: مطالعه موردی إن شاء الله» به نقش کاربردی «إن شاء الله» پرداخته است. وی در این پژوهش دغدغه اصلی خود را پاسخ‌گویی به این پرسش قرار داده است که نقش‌های کاربردی استفاده از آیه قرآنی «إن شاء الله» چیست و بافت‌هایی که در آن مسلمانان از «إن شاء الله» استفاده می‌کنند کدام‌اند.

او ابتدا مفهوم غیرمستقیم‌گویی (indirectness) را به بحث می‌گذارد و رویکردش را گفتمان - محور توصیف و نظرها و دیدگاه‌های پل گرایس و جان سرل را درباره مفهوم غیرمستقیم‌گویی بررسی می‌کند.

نزال چندین موقعیت را معرفی و درباره آن‌ها به تفصیل بحث می‌کند. موقعیت اول، گفت‌وگویی میان زن و شوهری درباره سفری است که زن برای رفتن به آن اصرار دارد و مرد مخالف رفتن به این سفر است و با به‌کارگیری عبارت «إن شاء الله» سعی در اعلام امتناع از سفر و به‌نوعی سلب مسئولیت از خود دارد. موقعیت دیگر نیز مربوط به زن و شوهر عرب‌تباری است که درباره ماندن در امریکا یا رفتن به مصر با یکدیگر بحث می‌کنند. زن تمایل به ترک امریکا و رفتن به مصر دارد، اما نظر مرد متفاوت است. زن با به‌کاربردن «إن شاء الله» درصدد بالابردن احتمال وقوع این مهاجرت است.

درنهایت، نزال نتیجه می‌گیرد که نقش‌های ارتباطی «إن شاء الله» با کاهش دادن تعهد نسبت به انجام کنشی در آینده آغاز می‌شود و تا پرهیز از تأثیرها و پیامدهای منفی کنش یک فرد در دیگران ادامه می‌یابد. مسلمانان با به‌کارگیری «إن شاء الله» می‌توانند خود را از بار مسئولیت فرمان‌ها یا اجتناب از اجرای پیش‌نهادها یا لطمه زدن به وجهه مخاطبان خلاص کنند. این امر، به‌ویژه هنگامی که کنششان پیامدهای نامطلوبی برای مخاطبان در پی دارد، معنادارتر می‌شود.

پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (Pishghadam and Norouz-Kermanshahi, 2012) نیز در مقاله خود، که بسیار تحت تأثیر نزال (Nazal, 2005) است، به کاربرد «إن شاء الله» در زبان فارسی می‌پردازند. آن‌ها با بررسی پنجاه موقعیت، که شامل تعاملات روزمره، تبلیغات تلویزیونی، و هم‌چنین گفت‌وگوهای افراد در خیابان، مغازه، سوپرمارکت‌ها، و جشن‌ها می‌شود، اهدافی چند را برای کاربرد «إن شاء الله» ذکر می‌کنند که برخی موارد کاربرد آن با استفاده‌ای که جامعه عربی از این عبارت می‌کند هم‌خوانی دارد و برخی دیگر هم‌خوانی ندارد. نگارندگان هدف از به‌کارگیری «إن شاء الله» در زبان فارسی را شامل این موارد می‌دانند: قوت‌قلب‌دادن به مخاطب، دل‌سپردن به سرنوشت، ابراز هویت دینی، آرزوکردن، نفرین کردن، ترغیب یک فرد به انجام‌دادن یک کار، فرارکردن از پاسخ و به‌تأخیرانداختن آن. سپس موارد فوق را در قالب سه گروه اصلی دسته‌بندی می‌کنند. آن‌ها «قوت‌قلب‌دادن به مخاطب، دل‌سپردن به سرنوشت، و ابراز هویت دینی» را در قالب «مسلمان‌بودن و داشتن باورهای اسلامی» جای می‌دهند و آن را ناشی از اعتقاد مسلمان به قدرت خداوند در رقم‌زدن سرنوشت می‌دانند. در گروه دوم اهدافی هم‌چون «گریز از جواب یا تعویق زمان

جواب دادن» در قالب غیرمستقیم گویی جای گرفته است. در این قالب گویندگان قصد انجام اقدامی را که به وجهه مخاطب لطمه بزند ندارند، به همین دلیل از این راه کار استفاده می کنند. در گروه سوم اهدافی هم چون «بیان آرزو، نفرین کردن، و ترغیب افراد به انجام یک کار» جای می گیرد که در ذیل عنوان «بیان احساس» درج می شود.

عبارت «إن شاء الله» از سوی مهاوش و جرادات (Mehawesh and Jaradat, 2015) نیز بررسی شده است. آن ها با اشاره به تفاوت میان کاربرد بیانی و منظوری این عبارت قرآنی آن را در تضاد با اصول گرایس و به طور مشخص اصل کمیت دانسته اند. نگارندگان هم چنین کارکردی کنایی گونه برای «إن شاء الله» بر شمرده اند که حذف آن از یک پاره گفتار معنای آن را تحت الشعاع خویش قرار می دهد.

در دسته دوم پژوهش ها، که در بافت غربی انجام شده اند، نیز پژوهش هایی این گونه در خصوص اصطلاحات دینی انجام شده است. برای نمونه، وردونیک و کاچیچ (Verdonik and Kačič, 2012) کاربرد عباراتی هم چون خدا، مریم مقدس، مسیح، شیطان، و مدونا (مریم) را مطالعه کرده اند. آن ها معتقدند واژگان دینی یادشده، در خارج از متون دینی، بیش از آن که معانی مستقیم و اولیه شان مدنظر باشد معانی کاربردشناسانه دارند. به نظر آن ها، یکی از اهداف به کارگیری این واژگان از سوی گوینده بیان احساس درونی است و فرد با به کارگیری آن یا حالت درونی خود را نشان می دهد یا هیجان خود را در لحظه صحبت کردن بیان می کند. برای نمونه ای از کاربرد مشابه در فارسی می توان «به پیغمبر من خسته ام» را ذکر کرد.

هم چنین، وردونیک و کاچیچ بیان احساس گوینده در قالب یک گزاره و یک وضعیت خاص را از دیگر اهداف این موضوع برمی شمارند. مثلاً، گفته می شود «خدا نکند گروه ما بیازد» در این جا گوینده نظر خود درباره یک شرایط و وضعیت خاص را بیان می کند. مطابق نظر وردونیک و کاچیچ بعضی مواقع کاربرد عبارات دینی می تواند هیچ معنایی نداشته باشد و صرفاً پُرکننده شکافی در کلام قبل و بعد از خود باشد. همان طور که این عبارات می تواند نقشی استعاری را ایفا کنند؛ مثلاً «فلانی توی این علم خداست»؛ یعنی می خواهند نهایت قدرت و تسلط را بر علم نشان دهند.

نهایتاً، نظریه کنش های گفتاری به دلیل سادگی و کاربردی بودنش در تحلیل متون مختلف به خصوص متون دینی کاربرد گسترده ای پیدا کرده است. ساجدی در مقاله «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» به طور کلی به بررسی امکان استفاده از این نظریه در فهم بهتر زبان قرآن پرداخته است. در این مقاله او بر «مباحثی چون کنش های گفتاری

گزاره‌های دینی، چندبُعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین، اهمیت ویژه بعد احساسی در گزاره‌های دینی، اشتباهات برخی از دین‌شناسان غربی در غفلت از بُعد اخباری گزاره‌های دینی، و سرانجام واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی» در چهارچوب نظریه کنش‌های گفتاری تأکید کرده است (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

غیر از قرآن متون دینی دیگری هم چون برخی ادعیه نیز با این روش مطالعه شده‌اند. در این زمینه، پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) به مطالعه زیارت‌نامه امام رضا پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که متن زیارت‌نامه به گونه‌ای است که دربرگیرنده احساسات عاطفی قوی است و ارادت‌مندی و قدردانی خواننده دعا را نشان می‌دهد. از این رو، کنش گفتاری عاطفی بیش‌ترین کاربرد را دارد.

آخرین پژوهش مهم در این زمینه به تحلیل یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته است. فضائی و نگارش، به کمک طبقه‌بندی سرل، کنش‌های گفتاری خطبه ۵۱ را مطالعه کرده و نشان داده‌اند که «امام علی (ع) در این خطبه برای تحریک و تشجیع لشکریانشان در جهت حمله به سپاهیان معاویه و پیروشدن بر آنان ... کنش گفتاری اظهاری و ترغیبی را به میزان زیاد و کنش گفتاری عاطفی را به میزان کم‌تری به کار برده‌اند» (۱۳۹۰: ۸۲).

۳. چهارچوب نظری و روش: کنش‌های گفتاری

به لحاظ روش، این پژوهش بر نظریه کنش‌های گفتاری (speech acts) مطرح در کاربردشناسی و فلسفه زبان مبتنی است. کنش‌های گفتاری گاه به کارگفت نیز ترجمه می‌شود. این نظریه مدعی است که هر پاره‌گفتاری که بیان می‌شود نقش‌های کنشی متعددی نیز با خود به همراه دارد. به عبارت دیگر، گویش‌وران زبان از طریق زبان کارها و کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهند.

این اندیشه که ارتباطات زبانی درحقیقت نوعی کنش است قدمتی طولانی دارد. افلاطون در رساله کراتیلوس خود، که در سال ۳۹۰ پیش از میلاد نوشته است، به این موضوع اشاره می‌کند. از نظر او، گفتار نوعی کنش است و کلمات ابزارهایی‌اند که به واسطه آنها این کنش اتفاق می‌افتد. این نوع نگاه پیامدهایی مهم برای مطالعه زبان دارد.

کارل بولر (۱۸۷۹-۱۹۶۳)، روان‌شناس و زبان‌شناس آلمانی، با توجه به نظریه افلاطون الگویی را ارائه داد که در آن زبان به مثابه ابزار موسیقی، به نام ارغنون، در نظر گرفته شده

است. در الگوی ارتباطی ارغنون، همان‌گونه که یک ساز موسیقی می‌تواند به‌دست کسی نواخته شود و مخاطبی داشته باشد، زبان نیز ابزاری است که سه نقش مهم دارد: ازسویی به گوینده برمی‌گردد و اطلاعاتی از او به‌دست می‌دهد، ازسوی دیگر به مخاطب که نقش اقناعی دارد و ازسویی دیگر به جهان خارج و موضوعی که مدنظر است. نظریه بولر تأثیر زیادی در نوع نگاه ما به زبان در حال حاضر داشته است.

بعد از بولر افراد دیگری نیز به ارتباطات زبانی به‌مثابه کنش نگریسته‌اند. مهم‌ترین آن‌ها جان آستین (John Austin)، فیلسوف انگلیسی‌تبار، است. آستین نظریه کنش‌های گفتاری را (۱۹۱۱-۱۹۶۰) در کتابی با عنوان *چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟* ارائه کرده است (Austin, 1962). وی کنش‌های گفتاری را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: کنش گفتاری بیانی، کنش گفتاری منظوری، و کنش گفتاری فرایبانی.

- کنش‌های گفتاری بیانی: در این شکل از کنش‌های گفتاری کلمات معنایی روشن و متعارف دارند. درواقع، همان معنای تحت‌اللفظی یا معنایی که فرهنگ‌لغت‌ها برای واژه‌ها ذکر کرده‌اند مدنظر قرار می‌گیرد. مثلاً، وقتی در پاسخ به پرسش «هوای تهران چطور است؟»، فردی بگوید «هوا سرد است» درواقع یک کنش گفتار بیانی را انجام داده است.

- کنش‌های گفتاری منظوری: در این نوع از کنش‌ها گوینده از بیان یک گفتار معنایی خاص را دنبال می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، معنا وابسته به گوینده است. مثلاً، اگر کسی به همسرش می‌گوید «غذا مقداری بی‌نمک شده است» و منظورش درخواست از همسر برای آوردن نمک‌دان باشد، در این‌جا کنش گفتار منظوری را انجام داده است.

- کنش‌های گفتاری فرایبانی: این نوع از کنش‌های گفتاری که از آن به کنش‌های گفتاری تأثیری نیز نام برده می‌شود ناظر بر اثری است که کنش گفتار در دریافت‌کننده پیام یا همان مخاطب می‌گذارد؛ البته بازتاب آن را باید در واکنش مخاطب جست‌وجو کرد. شاید سخنی باعث خشم او شود یا آن‌که سبب شادمانی، خجالت، یا اندوه او گردد.

گام مهم دیگر در پیش‌برد نظریه کنش‌های گفتاری در مکتب فلسفی آکسفورد برداشته شد. فیلسوفان این مکتب تقسیم‌بندی آستین از کنش‌های گفتاری را توسعه دادند و اعتقاد داشتند که این تقسیم‌بندی ابهاماتی دارد. یکی از این افراد جان سرل بود که رده‌بندی جدیدی را ارائه کرد که شامل کنش‌های اعلامی، عاطفی، ترغیبی، تعهدی، و تصریحی می‌شود (Searle, 1969). چون این پژوهش مبتنی بر تقسیم‌بندی سرل است، انواع کنش‌های گفتاری طبق طبقه‌بندی سرل در این‌جا تشریح می‌شود.

- کنش گفتاری اعلامی (declarations): هدف از کنش‌های گفتاری اعلامی اعلام شرایط

تازه‌ای برای مخاطبان ازسوی گوینده است؛ بدین‌معناکه هم‌زمان با بیان آن شرایط انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. مثلاً وقتی استاد یک درس اعلام می‌کند که «امروز کلاس تعطیل است» کلاس تعطیل خواهد شد؛ البته صرف بیان این جمله به‌منزله انجام کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است، ازجمله این‌که گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد. در جمله فوق لازم است که فرد استاد آن درس باشد، در محیط دانشگاه باشد، و اجازه تعطیل کردن کلاس را داشته باشد تا کنش محقق شود.

– کنش عاطفی (expressives): توان این کنش بیان حالت روانی گوینده درباره شرایطی است که در محتوای گزاره بیان شده است. در این نوع کنش صدق و کذب گزاره بیان‌شده بدیهی و مسلم فرض شده است. این نوع از کنش گفتارها در عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین، و تشکر دیده می‌شود. برای نمونه، به جمله‌های ذیل توجه کنید: «به‌به چه مقاله جالبی نوشتید!» یا «سپاس گزارم از این‌که اجازه دادید از ماشینتان استفاده کنم».

– کنش ترغیبی (directives): هدف از این کنش بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد، و طرح پرسش است. نکته منظوری کنش ترغیبی بر این حقیقت استوار است که این نوع کنش تلاش گوینده در جهت ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کارهاست. کریستال (Cristal, 2003) می‌گوید در کنش ترغیبی هدف گوینده واداشتن یا ترغیب مخاطب برای مبادرت‌ورزیدن به عمل یا اجتناب از انجام کاری است. نمونه این جملات عبارت‌اند از: «فردا مقاله را آماده کن» یا «یک لیوان آب برایم بریز».

کنش‌های ترغیبی ممکن است در قالب امر، پرسش، خواهش، و غیره خود را نشان دهند. از نظر سرل، گوینده در این کنش سعی در منطبق‌ساختن جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب دارد.

– کنش تعهدی (commissives): در این نوع از کنش‌ها متکلم، البته با درجاتی متفاوت، متعهد می‌شود که عملی را در آینده انجام دهد و در واقع تلاش در راستای منطبق‌کردن شرایط جهان خارج با کلمات بیان‌شده است. کنش‌های تعهدی و ترغیبی از این نظر که در هر دو مورد تلاش برای منطبق‌ساختن شرایط جهان خارج با کلام بیان‌شده است با هم یکی‌اند؛ اما وجه ممیزه آن‌ها این است که در یکی از آن‌ها انجام‌دهنده گوینده و در دیگری شنونده است. این جملات از نوع تعهدی‌اند: «من فردا صبح جلوی دانشگاه می‌بینم»، «قول می‌دهم تا اول ماه بدهی‌ام را پرداخت کنم».

– کنش تصریحی / اظهاری (assertives/ representatives): در کنش‌های گفتاری تصریحی گوینده به‌نوعی خود را نسبت به صدق پاره‌گفتارهای خویش متعهد می‌داند. در

این کنش گفتار فرد باور خویش درباره جهان خارج را بیان می‌کند و درستی گزاره‌ای را تصریح می‌کند؛ برای مثال، می‌توان گزاره‌های زیر را ارائه کرد: «روز اول عید امسال در تبریز برف بارید» یا «فردا دوم خرداد است».

۴. مطالعه کنش‌های گفتاری صلوات

داده‌های زیر مجموعه‌ای از کاربرد صلوات در حوزه شفاهی و در جامعه فارسی‌زبان و عرب‌زبان است. این متون، در بخش کاربرد صلوات در جامعه فارسی‌زبان ایران، نتیجه مشارکت مستقیم نگارندگان در موقعیتی است که کاربرد صلوات با اهداف مکالمه‌ای خاص استفاده شده است. مطالب مربوط به کاربرد صلوات در میان عرب‌زبان‌ها (عراقی و سوری) متعلق به ساره مختارپور، دانشجوی عرب‌زبان مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه قم، است. در این مقاله، ابتدا کنش‌های گفتاری مرتبط با صلوات براساس تقسیمات ارائه‌شده از سوی سرل تقسیم‌بندی شده است، هرکدام از موقعیت‌ها تشریح می‌شود، و سپس درباره شکل تعامل گوینده و شنونده بحث می‌شود.

۱.۴ کنش‌های گفتاری ترغیبی صلوات

۱.۱.۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

فردی روحانی مشغول موعظه کردن است. در همین حال، صدای مخاطبان را می‌شنود که مشغول صحبت با یکدیگرند و به حرف‌هایش گوش نمی‌دهند. برای این‌که توجه مستمعان را به حرف‌های خود معطوف کند، خطاب به آن‌ها می‌گوید: «مثل این‌که عزیزان درددل‌های زیادی با هم دارند. حالا برای این‌که درددل‌های خود را به انتهای مجلس بسپارند، یک صلوات بفرستند». حاضران با شنیدن این عبارت با صدای بلند صلوات می‌فرستند. بعد از آن، سخن‌ران مشغول بیان مطالبش می‌شود. مجدداً صدای حرف زدن حضار به گوشش می‌رسد. کمی ناراحت می‌شود و خطاب به جمع حاضر می‌گوید: «عزیزان! همین الان صلوات فرستادید».

در این موقعیت، سخن‌ران در ابتدا قصد دارد تا از مستمعان بخواهد که به صحبت‌های خود خاتمه و به حرف‌های او گوش دهند؛ اما برای آن‌که به وجهه آن‌ها لطمه نخورد، با بیان جمله «صلوات بفرستید» سعی در القای پیام خویش دارد. او در واقع از راه‌کار غیرمستقیم‌گویی استفاده می‌کند. در چنین وضعیتی، طرح مستقیم درخواست برای سکوت می‌تواند به وجهه

شنونده یا شنوندگان لطمه بزنند. به‌همین دلیل، از راه‌کار غیرمستقیم‌گویی استفاده می‌شود. درحقیقت، یکی از مهم‌ترین کاربردهای غیرمستقیم‌گویی حفظ وجهه طرف مقابل است. در نتیجه، مفهوم غیرمستقیم‌گویی با رعایت ادب گره خورده است (Sifianou, 1992: 114).

بعد از تولید پیام، نوبت به مخاطبان می‌رسد. سرل (Searle, 1975: 61) می‌گوید در کنش‌های گفتاری غیرمستقیم‌گوینده بیش از آن‌چه به‌واقع بیان می‌کند، با شنونده از طریق تکیه بر دانش‌های زمینه‌ای مشترک، که هم زبانی و هم غیرزبانی است، ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط از طریق عقلانیت عام و استنتاج از سوی شنونده ایجاد می‌شود. افراد برای درک چنین کنش گفتار غیرمستقیمی از دانش عمومی خود در خصوص کنش گفتارها و نیز فهمی کمک می‌گیرند که از اصول همکاری مکالمه‌ای گرایس به‌ویژه ربط نشئت می‌گیرد (Searle, 1979: 32).

مستمعان می‌دانند که سخن‌ران براساس اصل ربط عمل می‌کند؛ اصلی که گرایس (Grice, 1975) وجود آن را برای هر ارتباط زبانی‌ای ضروری می‌داند. شنوندگان یا مستمعان در این ارتباط زبانی شروع به رمزگشایی از بُعد منظوری صلوات‌فرستادن می‌کنند و، باتوجه به ویژگی‌های بافتی، پیام منتقل‌شده از سوی گوینده را درک می‌کنند (Goldman, 2013).

وقتی که سخن‌ران متوجه صحبت کردن دوباره شنوندگان می‌شود، با بیان این عبارت که «همین الان صلوات فرستادید» درصدد بیان این نکته است که به درخواستش درباره رعایت سکوت توجه نشده است. درواقع، کنش تأثیری مطلوب مدنظر گوینده یا فرستنده پیام برقرار نشده است.

۲.۱.۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

در خیابانی شلوغ دو خودرو با هم برخورد می‌کنند. صاحب خودروی جلویی بیرون می‌آید و شروع به ناسزاگفتن به صاحب خودروی عقبی می‌کند. گروهی جمع می‌شوند تا ضمن میانجی‌گری دو طرف را از ادامه‌دادن به این مشاجره بازدارند. یکی از حضار می‌گوید: «چرا این قدر بگومگو می‌کنید. آقا! ماشین شما خسارت زیادی ندیده. مبلغی از این آقا بگیرید و مسئله را فیصله بدید. خوب نیست جلوی جمع این‌جوری به جون هم‌دیگه افتادید».

راننده‌ای که مقصر نیست می‌گوید: «سپر عقب ماشین شکسته و چراغ‌ها هم که باید تعویض بشن. حدوداً دویست تومن واسم آب می‌خوره». راننده مقصر سعی می‌کند تا از این مبلغ بکاهد. یک نفر در این وسط میانجی‌گری می‌کند و می‌گوید: «با ۱۵۰ رضایت بدید

و صلوات بفرستید». راننده‌ای که مقصر نیست می‌گوید: «بیا این هم صلوات. اللهم صلی علی محمد و آل محمد». سپس بحث درباره خسارت را ادامه می‌دهد.

در این موقعیت، ردوبدل شدن عبارات زشت میان دو طرف حادثه یک کنش نامطلوب اجتماعی به‌شمار می‌رود و افراد بعد از تعیین مبلغ از دو طرف می‌خواهند که به این اقدام خود خاتمه دهند. طرفی که مقصر نیست بخش کنش گفتاری بیانی را مدنظر قرار می‌دهد؛ زیرا با بُعد منظوری این جمله موافق نیست. به‌همین دلیل، صلوات را می‌فرستد و بحثش را ادامه می‌دهد. در واقع، اجابت نکردن خواسته فردی که دعوت‌کننده به صلوات است، به‌مثابه اهانت به پیامبر و خاندان ایشان است. به‌همین دلیل، راننده مذکور صلوات را می‌فرستد تا صرفاً کنش گفتاری بیانی را مدنظر قرار دهد نه بعد منظوری را.

۳.۱.۴ موقعیت سوم (جامعه ایرانی)

این موقعیت مربوط به نشستی دوستانه است. افرادی دور هم حلقه زده‌اند و یکی از آن‌ها راجع به شخصی دیگر صحبت می‌کند که در آن جمع حضور ندارد. به‌عیوب آن فرد اشاره و او را شخصی با رفتارهای غیرمسئولانه توصیف می‌کند. وقتی صحبت به این‌جا می‌رسد یکی از حضار ناراحت می‌شود. سعی می‌کند تا به هر شیوه‌ای که شده است به سخنانش پایان دهد. به‌همین منظور، به دوستان خود می‌گوید که «بچه‌ها یک صلوات بفرستید».

در این موقعیت، کسی که خواستار «صلوات فرستادن» است، از دو شیوه برای حفظ احترام بهره می‌گیرد. ابتدا این‌که فرد را مستقیماً خطاب قرار نمی‌دهد تا مبادا در همین حد هم احساس بدی به او دست دهد و در گام بعد از ذکر صلوات استفاده می‌کند تا به‌صورت غیرمستقیم گوینده را متوجه نارضایتی از حرف‌هایش بکند.

۴.۱.۴ موقعیت چهارم (جامعه عربی)

بانویی به خانه دوستش می‌رود و متوجه می‌شود که فرزند میزبان، که هم‌سن و سال فرزند خودش است، بچه‌ای آرام و حرف‌گوش‌کن است. خطاب به میزبان او را فردی خوش‌شانس می‌داند. میزبان می‌گوید: «صل علی النبی (صلوات بفرست)».

در جوامع عرب‌زبان، اعتقاد به وجود چشم‌زخم امری شایع است. آن‌ها معتقدند که اگر کسی از فرزندشان یا هر مایملک دیگرشان ستایش کند باعث می‌شود که آن فرزند رفتارش تغییر کند یا مایملکشان از بین برود. به‌همین دلیل و برای آن‌که به او بفهمانند که این کار باعث چشم‌خوردن آن فرزند یا مایملک می‌شود می‌گویند «صلوات بفرست».

صلوات فرستادن در ظاهر به معنای گفتن عبارت صلوات است، اما در بُعد منظوری‌اش به معنای آن است که فرد به تعریف کردن‌ها و ستودن‌هایش خاتمه دهد. استفاده از صلوات برای بیان محترمانه درخواست پایان‌دادن به تعریف‌ها و ستایش‌هاست.

۵.۱.۴ موقعیت پنجم (جامعه عربی)

دو نفر در اداره‌ای هم‌کارند. قطعه‌ای کامپیوتری گم می‌شود. هرکدام از افراد دیگری را متهم می‌کند. رئیس متوجه بلندشدن صدای کارمندان می‌شود، به سمت آن‌ها می‌رود، و خطاب به آن‌ها می‌گوید: «یا شباب! شکو علیکم. صلوة علی النبی» (بچه‌ها! چه‌تون شده. صلوات بفرستین). در این‌جا گوینده برای این‌که از دو طرف دعوا بخواند تا به این کار خود خاتمه دهند می‌گوید صلوات بفرستید. اگر گوینده از فعل نهی مستقیم استفاده می‌کرد ممکن بود باعث دل‌خوری طرفین شود. برای همین، به منظور احترام به طرفین از عبارت «صلوات بفرستید» استفاده کرد. در واقع، به شکلی محترمانه از آن‌ها خواست تا مکالمه خود را ادامه ندهند.

۲.۴ کنش گفتاری تعهدی

۱.۲.۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

در بنگاه معاملات مسکن، مدیر بنگاه مشغول صحبت کردن با خریدار و مشتری است که هرکدام شروطی را برای انجام معامله بیان می‌کنند. مدیر بنگاه تلاش می‌کند با ارائه پیش‌نهادهایی رضایت هر دو طرف را جلب کند. بعد از ساعتی بحث و گفت‌وگو درباره شروط معامله دو طرف راضی می‌شوند. مدیر بنگاه خطاب به خریدار و فروشنده می‌گوید که اگر مشکلی نیست صلوات بفرستند تا مبیعه‌نامه نوشته شود. هر دو طرف صلوات می‌فرستند. هنگام نوشتن مبیعه‌نامه فروشنده شرط دیگری را مطرح می‌کند و با مطالب مندرج در آن مخالفت می‌کند. در این‌جا مدیر بنگاه می‌گوید: «مگر صلوات نفرستادی؟»

کنش گفتار منظوری که در صلوات فرستادن مشتری و خریدار وجود دارد کنشی تعهدی است. یعنی دو طرف متعهد می‌شوند که این شروط را بپذیرند و نسبت به اجرای آن مبادرت ورزند. حال اگر هرکدام از طرفین به دلایلی راه مخالفت با مفاد مبیعه‌نامه را پیش گیرند، مدیر بنگاه آن‌ها را به یاد بار تعهدی صلوات می‌اندازد.

۲.۲.۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

جمعی برای خواستگاری به منزل خانواده دختری رفته‌اند. بعد از احوال‌پرسی و

گپ و گفت‌های کلیشه‌ای نوبت به تعیین مهریه می‌رسد. خانواده دختر شرایطی سخت را مطرح می‌کنند. خانواده پسر سعی در مقاومت دارند. در این میان، شماری از افراد که نقش میانجی را دارند سعی می‌کنند اختلاف‌ها را بر سر مهریه به حداقل برسانند. در نهایت، میانجی‌گران پیش‌نهادی را مطرح می‌کنند که تاحدی رضایت دو طرف را جلب می‌کند. سپس، یکی از حضار خطاب به خانواده دختر و پسر می‌گوید: «اگر مشکلی نیست صلوات بفرستید». افراد صلوات می‌فرستند. صلواتی که در این‌جا فرستاده می‌شود نوعی کنش گفتاری منظوری تعهدی به‌شمار می‌رود. ضمن آن‌که تقدس این عبارت افراد را از زیر پا گذاشتن تعهداتشان باز می‌دارد.

۳.۴ کنش گفتاری عاطفی

۱.۳.۴ موقعیت اول (جامعه عربی)

فردی مشغول رد شدن از خیابان است که ناگهان کودکی زیبا را می‌بیند. فرد با دیدن چهره کودک عبارت صلوات را به‌زبان می‌آورد. در چنین موقعیتی، فرد برای بیان اعجاب فراوان خود از این زیبایی صلوات می‌فرستد تا به این ترتیب، به شکل غیرمستقیم، به تمجید از این زیبایی پردازد.

شاید بتوان در تحلیل چنین موقعیت‌هایی گفت که وقتی فرد کلمات عادی را فاقد گنجایش لازم برای القای احساس خویش می‌داند، بی‌اختیار سعی می‌کند با خروج از اصول گرایش اوج اعجاب و شگفتی خود از موقعیت را بیان کند. به‌دیگرسخن، در مواردی عدول از معیار گرایش برای بیان شدت احساس به‌کار می‌رود.

۲.۳.۴ موقعیت دوم (جامعه ایرانی)

افرادی مشغول دیدن مسابقه وزنه‌برداری‌اند. وزنه‌بردار ایرانی روی سکو می‌رود و می‌خواهد وزنه‌ای سنگین را بلند کند. حضار شدیداً موفقیت وزنه‌بردار تیم ملی‌شان را انتظار می‌کشند. وقتی وزنه‌بردار وزنه را بلند می‌کند، فریاد صلواتشان بلند می‌شود. خوشحالی و فریاد شدیدی که بینندگان دارند نشان از خوشحالی نسبت به عملکرد وزنه‌بردار محبوبشان دارد. آن‌ها با این صلوات به تمجید از عملکرد وی می‌پردازند. در این موقعیت، نیز افراد برای بیان اوج احساس خود از صلوات استفاده می‌کنند. در این موقعیت، نیز عدول از اصل کیفیت بیان‌گر احساسات و عواطف است.

۳.۳.۴ موقعیت سوم (جامعه ایرانی)

روحانی‌ای وارد مسجد می‌شود. مردم برای آن‌که به او خوشامد بگویند، بی‌اختیار با دیدنش صلوات می‌فرستند. در این موقعیت، افراد علاوه‌براین‌که در پی خوشامدگویی به آن عالم دین‌اند، در پی اعلام این نکته نیز هستند که او را، از نظر فکری، وابسته به خاندان پیامبر می‌دانند. در واقع، هدف از ذکر صلوات محدود به خوشامدگویی نیست؛ بلکه بیان هویت فکری فرد واردشده نیز است.

۴.۴ کنش گفتاری اعلامی

۱.۴.۴ موقعیت اول (جامعه ایرانی)

جلسه‌ای در دانشگاه قم و با حضور معاون آموزشی دانشگاه برگزار می‌شود. بحث درباره‌ی تصمیمی حیاتی برای اساتید است. معاون آموزشی پیش‌نهادی را درباره‌ی موضوع بیان می‌کند و ذکر می‌کند که دوستان اگر مشکلی ندارند صلواتی بفرستند.

حضار با پیش‌نهاد ارائه‌شده موافق نیستند و کسی صلوات نمی‌فرستد. چنین برمی‌آید که معاون آموزشی در صدد اجماع‌سازی است و می‌خواهد تا برای آن‌که نظرهای مختلفی در این زمینه بیان نشود و نگاه کلی، در میان همه‌های فردی گم نشود، از اساتید می‌خواهد تا نظر خود را با صلوات بیان دارند.

۵. نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که استفاده از صلوات در درجه‌ی اول نشان‌دهنده‌ی هویت شیعی - اسلامی افراد است و از دل‌بستگی آنان به پیامبر و خاندان او نشان دارد، اما مسئله‌ی اصلی این پژوهش آن بود که دریابد در چه موقعیت‌هایی از صلوات استفاده می‌شود و چه منظورهای کاربردشناختی‌ای در پس استفاده از صلوات وجود دارد. موقعیت‌های مختلفی که در ایران و برخی کشورهای عرب‌زبان بررسی شد نشان داد که کارکردهای کاربردشناختی صلوات را می‌توان با کمک نظریه‌ی کنش‌های گفتاری به‌خوبی تشریح کرد. این مطالعه نشان داد که صلوات کارکردهای ترغیبی، عاطفی، تعهدی، و اعلامی دارد.

فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان، هنگامی که صلوات را به‌مثابه‌ی کنش گفتار منظوری ترغیبی به‌کار می‌برند، در پی حفظ وجهه‌ی طرف مقابل‌اند و نمی‌خواهند مرتکب کاری شوند که به

وجهه طرف مقابل با درخواست انجام دادن یک کار لطمه وارد شود. از سوی دیگر، ذکر صلوات در موقعیت‌های یادشده می‌تواند راه‌کاری برای اعلام نامطلوب بودن وضعیت و ضرورت تغییر آن باشد. به‌دیگر سخن، فرد می‌کوشد تا با ذکر صلوات، ضمن قطع کردن یک حالت، شرایط و وضعیت جدیدی را حکم‌فرما کند.

وقتی صلوات به‌منزله یک کنش گفتار منظوری عاطفی به‌کار می‌رود، گوینده می‌کوشد تا به‌نوعی شدت احساس خود را نشان دهد. به‌عبارت‌دیگر، اگر فرد از عبارت‌های معمول استفاده کند نمی‌تواند اوج احساس خود را نسبت به یک وضعیت نشان دهد. به‌همین دلیل، صلوات را به‌کار می‌برد تا به هدف خود در این زمینه جامه عمل بپوشاند. در واقع، بی‌ربط بودن بُعد بیانی صلوات و بُعد منظوری آن در چنین بافتی می‌تواند با خود پیامی را با این مضمون داشته باشد که گوینده، با آن تناژ صدای بالا، درصدد ابراز تعجب یا خرسندی فراوان از یک موقعیت است.

هنگامی که از صلوات به‌مثابه کنش گفتار منظوری تعهدی استفاده می‌شود چنین برداشت می‌شود که افراد درصدد تقدس‌بخشیدن به قول و وعده‌ای هستند که از هم‌دیگر می‌گیرند. به‌عبارت‌بتر، با این تقدس‌بخشی، از راه صلوات، فرد خود را نسبت به وعده‌ای که داده است متعهدتر می‌داند.

هدف از صلوات به‌مثابه کنش گفتار منظوری اعلامی احتمالاً تولید اجماع است. به‌عبارت‌دیگر، اگر افراد هرکدام بخواهند به‌شکلی نظر خود را با عبارت‌های متفاوت بیان کنند نوعی ناهماهنگی در روند انتقال پیام از سوی گویندگان به‌وجود می‌آید؛ اما وقتی که تعدادی از افراد با یک‌دیگر، در موقعیت اعلامی، صلوات می‌فرستند، یعنی اجماع درباره آن صورت گرفته است.

از دیگر محورهای مورد توجه در نقش کاربردی صلوات می‌توان به بیان هویت اسلامی و شیعی افراد اشاره کرد.

تاجایی که نویسندگان این مقاله اطلاع دارند إن شاء الله و صلوات بر پیامبر و خاندان او فقط دو مورد از اصطلاحات دینی و قرآنی‌اند که مطالعه شدند. با توجه به کثرت اصطلاحاتی از این دست از جمله الله‌اکبر، لا اله الا الله، و سبحان الله ضرورت دارد که مطالعات جدی‌تری با گستره پیکره‌ای بیش‌تر و احتمالاً چهارچوب‌ها و روش‌های مطالعاتی متنوع‌تر بررسی شوند تا مشخص شود حضور دین و نصوص قرآنی در بطن اجتماع مسلمانان چگونه است و چه کارکردهایی دارد.

کتاب‌نامه

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده (۱۳۸۹). «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) برپایه نظریه کنش گفتار»، در *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، ش ۲، پیاپی ۸۵
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، *قیسات*، ش ۲۵.
- فضائلی، مریم و محمد نگارش (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتار»، *علوم قرآن و حدیث*، ش ۸۶
- یول، جورج (۱۳۹۱). *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده جهرمی و منوچهر توانگر، تهران: سمت.
- Austin, L. J. (1962). *How to do Things with Words*, Oxford: Clarendon.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*, Oxford: Blackwell.
- Goldman, K. L. (2013). "A Walk in Our Shoes: A Discussion of Relevance and Communication", In: *Teacher Prep, Universal Journal of Educational Research*, 1(2).
- Grice, P. (1975). "Logic and Conversation", In: Peter Cole and J. Morgan (eds.), *Syntax and Semantics: Speech Acts*, Vol. 3, New York: Academic Press.
- Mehawesh, M. I. and A. A. Jaradat (2015). "Inshallah: Extensive Flouting of Grice's Maxim of Quality", in: *Asian Social Science*, Vol. 11, No. 4.
- Nazal, A. (2005). "The Pragmatic Functions of the Recitation of Qur'anic Verses by Muslims in their Oral Genre: The Case of Insha'Allah, 'God's Willing'", in *Pragmatics*, Vol. 15, No. 2 and 3.
- Pishghadam, R. and P. Norouz Kermanshahi (2012). "Insha'Allah (God's Willing) and Its Functions in Persian", in *CS Canada: Studies in Literature and Language*, Vol. 4, No. 1.
- Searle, J. (1969). *Corpus, Concordance, Collocations*, Oxford: Oxford University Press.
- Searle, J. (1975). *A Taxonomy of Illocutionary Acts*, In: K. Gunderson (ed.), *Language, Mind, and Knowledge*, Minneapolis Studies in the Philosophy of Science, Vol. 7, University of Minneapolis Press.
- Searle, J. (1979). *Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. and P. Simpson (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sifianou, M. (1992). *Politeness Phenomena in England and Greece: A Cross-Cultural Perspective*, Oxford: Oxford University Press.
- Verdonik, D. and Z. Kačič (2012). "Pragmatic Functions of Christian Expressions in Spoken Discourse", in *Linguistica*, Vol. 5, No. 1.